

چک وسفته

رایجترین اسناد تجاری

دفتر حقوقی اندیشه*

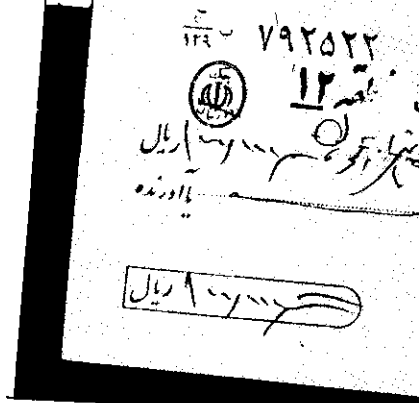
روابط بازرگانی به صورت پیشرفته و امروزی آن، به کارگیری پاره‌ای اوراق و اسناد را ایجاب کرده است که ابتدا به صورت عرف و عادت تجارت معمول شده و بعد از آنکه کارایی آنها عملاً به اثبات رسیده و مقبولیت همگانی یافته، از حمایت دستگاههای اجرایی و قانونگذاری برخوردار شده و قوانینی در راستای تعیین قواعد و مقررات و برقراری بعضی امتیازات و تسهیلات برای آنها تصویب شده است و این قواعد نیز مورد جرح و تعدیل و بازنگاری مکرر قرار گرفته تا به صورت کنونی درآمده و در هر کشوری، با تفاوت‌های ناشی از نیازها و مقتضیات هر جامعه معمول شده است. سفته و چک رایجترین این گونه اسناد است که این مقاله به بررسی حقوقی آنها می‌پردازد.

از تاریخ پیدایش سفته به صورت سندی تجارتمی اطلاعی، ولو غیردقیق، در اختیار این دفتر نیست و سفته ظاهراً صورت تکامل یافته سند ذمه‌ای است که هنوز هم در معاملات غیرتجارتی ندرتاً بین افراد ردوبدل می‌شود و به آن پته نیز گفته می‌شود (به فتح «پ» و «ت» بمعنای ورقه، جواز، بلیت) و فته ظاهراً معرب آن است (به فتح «ف» و «ت» بمعنای ورقه، بلیت، پته و معادل خارجی آن بزبان فرانسه Billet است). اصطلاح فته طلب مترادف با سفته نیز ترکیبی از «فته» و «طلب» و در مجموع در زبان غیرحقوقی به معنای «سند بستانکاری دائن و بدهکاری مدیون» است.

چک نسبت به سفته از قدمت کمتری برخوردار است و ظاهراً پیدایش آن مقارن با پیدایش بانک است.

چک Cheque از نظر لغوی به معنای حواله است و در کتابهای قدیم فارسی و اشعار شاعران پیشین بمعنی قباله و حجت و منشور و عهدنامه و برات هم آمده و به زبان عربی به آن صک گفته می‌شود. به قیصر سپارم همه یک به یک از این پس نوشته فرستیم و چک

* این مقاله در تیرماه سال جاری به دفتر ماهنامه رسیده است. ذکر این نکته از آن روست که شور دوم طرح قانونی اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب تیرماه ۱۳۵۵ در مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی است.



چک و سفته به عنوان دو سند تجارتي - وجه تسميه - امتيازات و فوائد

به برات و سفته و چک، اسناد تجارتي اطلاق مي شود و در عرف تجارت و نزد حقوقدانان به اين عنوان پذيرفته شده است. اوراق مذکور از طرفي سند هستند و از طرف ديگر عمدتاً در نزد تجار و در معاملات تجارتي به کار مي روند. هرچند که در قانون تجارت تحت اين عنوان معرفي نشده اند. برابر ماده ۱۲۸۴ قانون مدني، سند اين طور تعريف شده است: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوي يا دفاع قابل استناد باشد.» سپس در ماده ۱۲۸۶، سند به دو نوع ۱- رسمي ۲- عادي تقسيم شده است. ماده ۱۲۸۷ قانون ياد شده اسنادي را که در دفاتر اسناد رسمي يا ادارات ثبت اسناد و املاک يا در نزد مأموران رسمي در حدود صلاحيت آنان و برطبق مقررات قانوني تنظيم شده باشد سند رسمي دانسته و به موجب ماده ۱۲۸۹ هرآنچه را که خارج از تعريف اسناد رسمي باشد سند عادي محسوب داشته است. علاوه بر تعاريف مواد بالا ماده ۱۲۵۷ قانون مدني سند را جزء ادله اثبات دعوي منظور کرده و ماده ۳۵۳ قانون آيين دادرسي مدني براي «دليل» اين

تعريف را به دست داده است: «دليل عبارت از امري است که اصحاب دعوي براي اثبات دعوي يا دفاع از دعوي به آن استناد مي نمايند»

از آنچه به اختصار و در حوصله اين بحث از دليل، سند، تعريف و اقسام آن گفته شد اين نتايج به دست مي آيد:

۱- چک و سفته سند شمرده مي شوند.

۲- سند رسمي نيستند و جزء اسناد عادي به شمار مي روند.

۳- يکي از ادله محسوب مي شوند و در مقام اثبات دعوي يا دفاع از دعوي مي توان به آنها استناد کرد.

البته اسناد عادي منحصر به چک، سفته و برات نيستند و هر نوشته ديگري هم که مطابق قانون تنظيم شده و به امضا رسيده باشد مي تواند سند عادي به حساب آيد و در مقام اثبات دعوي يا دفاع از دعوي مورد استناد واقع شود ولي اسناد تجارتي (در بحث ما سفته و چک) از مزايایي برخوردارند که اسناد عادي غير تجارتي از آن محرومند.

عمده ترين اين مزایا عبارتند از:

- ۱- مسئوليت تضامني امضاکنندگان
- ۲- مسئوليت کيفري در مورد چک
- ۳- اعتبار اسناد تجارتي نزد اشخاص و بانکها

۴- استفاده از مرور زمان اختصاصي

۵- واخواست پذيري

۶- مکلف بودن دادگاه به صدور قرار

تأمين خواسته بدون توديع خسارات

احتمالي طرف يا اثبات در معرض تضييع يا تفريط بودن خواسته (در صورتي که اعتراض عدم تاديه بموقع صورت گرفته باشد - ماده ۲۹۲ قانون تجارت و بند ۴ ماده ۲۲۵ قانون آيين دادرسي مدني).

امتيازاتي که عمده ترين آنها ذکر شد مؤيد اين امر است که چک و سفته، اگرچه داراي امتياز اسناد رسمي نيستند و لازم الاجرا شمرده نمي شوند، ولي با اسناد عادي هم تفاوت فاحش دارند و در واقع به منزله برزخ بين آن دو محسوب مي گردند و اطلاق (اسناد تجارتي) به آنها دور از مناسبت نيست و با اندکي تسامح مي توانند بمشابه نوع سوم اسناد طبقه بندي شوند.

وجوه اشتراك و افتراق و امتيازات مذکور در فوق به طور عمده از ديدگاه قانوني برشمرده شد ولي از ديدگاه عملي و در روابط بين بازرگانان، فوايد ديگري نيز بر اسناد تجارتي مترتب است که اهم آنها به اين شرح است:

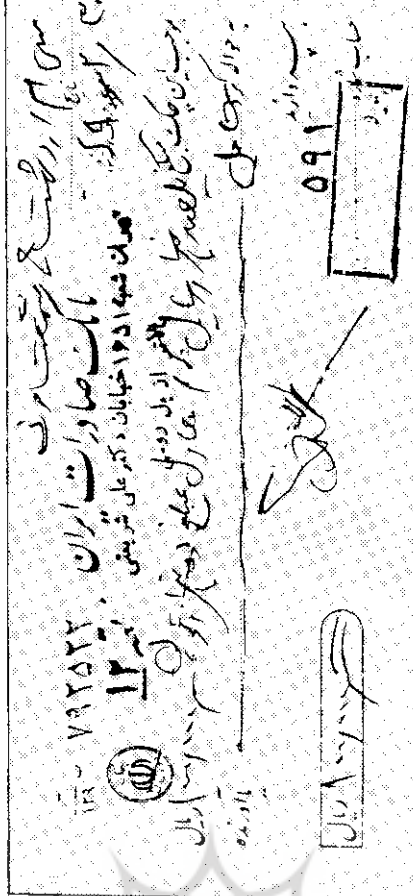
- ۱- اسناد تجارتي به عنوان وسيله پرداخت و به جای پول به کار مي روند. پرداخت با پول در معاملات عمده، گاه با دشواريهاي زياد و گوناگوني از قبيل اشکالات حمل و نقل، سرقت، گم شدن، تحمل هزينه، صرف وقت، آتش سوزي و حوادث ديگر روبروست و پرداخت با اسناد تجارتي رافع مؤثر اين دشواريهاست و مي توان براي ادای دين يا تاديه ثمن از چک يا سفته (بروئي يا ورق بزيند

بوعده) استفاده کرد و گیرنده چک یا سفته هم می‌تواند آن را به حساب خود در بانک منظور کند یا آن را با پشت‌نویسی به دیگری منتقل کند و از بروز خطرات و اشکالات جلوگیری نماید.

۲- اسناد تجارتي به عنوان وسیله اعتبار به کار می‌روند - از آنجا که همواره و همیشه پول نقد به مقدار لازم در اختیار بازرگانان نیست که پرداختهای خود را با آن انجام دهند، لذا گردش بازرگانی اغلب به‌طور نسبی (موجل) انجام می‌پذیرد و خریدار سفته‌ای معادل بهای کالا به فروشنده تسلیم می‌کند و بایع نیز آن را به ازای ثمن به فروشنده دیگر واگذار می‌نماید و به این ترتیب سفته موجب تسهیل معاملات شده و در بازار پول و معاملات اعتباری خرید و فروش می‌شود و به عبارت دیگر به اعتبار متمهد سفته یا ظهرنویس یا هر دو معاملات موجل امکانپذیر می‌گردد.

۳- اسناد تجارتي موجب انتقال طلب یا دین می‌شوند - بازرگانان اغلب دیون یا مطالبات خود را با اسناد تجارتي به یکدیگر یا از شهری به شهر دیگر انتقال می‌دهند و به جای مبادله وجه نقد، طلبی را که از یکی دارند در مقابل بدهی که به دیگری دارند با تسلیم اسناد تجارتي مبادله می‌کنند.

۴- سند تجارتي به دارنده آن امکان می‌دهد که مطالبات موجل (مدت‌دار) خود را نقد کند، به این ترتیب که فروشنده کالایی که مثلاً موعده پرداخت



تعریف، شرایط، انواع و امتیازات که در قانون تجارت معین شده است و ما از آن به‌عنوان مقررات حقوقی (در مقابل مقررات جزایی) چک نام می‌بریم.

بخش دوم شامل: مقررات جزایی یا کیفری چک

بخش اول: مقررات عمومی

نظر عامه به‌طور اغلب و اکثر معطوف به جنبه کیفری چک است و از جنبه حقوقی آن که اساس موجودیت چک را تشکیل می‌دهد غفلت می‌شود، در حالی که بدون رعایت کامل مقررات حقوقی مندرج در قانون تجارت ممکن است چک به صورت قانونی تحقق نیابد تا به تبع آن بتوان مقررات کیفری را بر آن بار نمود و از امتیاز تعقیب کیفری صادر کننده چک بهره جست. از این رو جا دارد به مقررات قانون تجارت در خصوص چک با دقت کافی نگریسته شود.

ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک را بدین‌گونه تعریف کرده است: «چک نوشته‌ای است که به‌موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به‌دیگری واگذار می‌نماید.»

بنابر تعریف بالا اولاً فرض قانونی بر این است که صادرکننده معادل وجه چک نزد محال‌علیه اعتبار یا وجه نقد

طلبش اول اسفندماه است و سفته‌ای برای همان تاریخ در اختیار دارد می‌تواند سفته را در آن همان سال با تنزیل به بانک یا صرافی بفروشد و پول نقد بگیرد و به این ترتیب بخشی از کارهای بانکها و صرافیها شکل می‌گیرد.

۵- اسناد تجارتي وصول و ایصال مطالبات و دیون را آسان می‌کنند - مثلاً دارنده چک یا سفته می‌تواند آن را برای وصول به بانک واگذار کند و بانک عمل وصول را عهده‌دار می‌شود و آن را به حساب دارنده واریز می‌کند.

چک

بحث چک را می‌توان در دو بخش جداگانه پی گرفت:

بخش اول شامل: مقررات عمومی،

دارد و در همان حد چک صادر می‌کند نه بیشتر؛ ثانیاً در هر چکی ۳ نفر و گاه دو نفر وجود دارند، اول صادرکننده دوم محال‌علیه (به معنای کسی که پرداخت وجه به او حواله شده است - بانک) سوم گیرنده وجه چک (که ممکن است خود صادرکننده یا دیگری باشد) ثالثاً چک نوعی حواله است که از مقررات خاص قانون تجارت تبعیت می‌کند. رابعاً چک «سند انتقال» است.

مطابق ماده ۳۱۱ قانون تجارت: «در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد. پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد» و به موجب ماده ۳۱۳ همان قانون: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.» بنابراین طبق مواد فوق اولاً چک باید دارای تاریخ صدور باشد و چک بدون تاریخ از نظر قانونگذار چک نیست، ثانیاً قید تاریخ موخر در چک ممنوع است زیرا چک باید به محض ارائه کارسازی شود و وعده‌دار بودن چک به نظر این دفتر آن را از صورت چک (سند تجارتي) خارج ساخته و به سند عادی و محروم از حمایت‌هایی که برای چک مقرر شده است مبدل می‌سازد. ثالثاً باید به امضای واقعی صادرکننده (امضایی که قبلاً به محال‌علیه معرفی شده است) رسیده باشد. رابعاً قید محل صدور در چک ضرورت دارد زیرا علاوه بر تصریح ماده ۳۱۱ مثلاً هرگاه محل صدور و محل پرداخت یکی باشد مدت لازم برای

مراجعه به بانک کمتر و چنانچه محل صدور چک در یک نقطه (مثلاً تهران) و محل پرداخت آن در نقطه دیگر ایران (فرضاً اصفهان) باشد مدت لازم برای مراجعه به بانک بیشتر است (ماده ۳۱۵ قانون تجارت) و اگر محل صدور چک خارجه و محل پرداخت آن ایران باشد مدت لازم برای مراجعه به بانک بازهم بیشتر است (ماده ۳۱۷ قانون تجارت).

چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد. ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود. (ماده ۳۱۳ قانون تجارت).

مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت برای مراجعه دارنده چک به بانک، در مورد چکهایی که محل صدور و تأدیه آن یکی است ۱۵ روز از تاریخ صدور و در مورد چکهایی صادر شده در یک نقطه ایران و قابل پرداخت در نقطه دیگر ایران ۴۵ روز از تاریخ صدور و در مورد چکهایی صادر شده از کشورهای خارج و قابل پرداخت در ایران ۴ ماه از تاریخ صدور مهلت تعیین کرده و تصریح نموده که اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکور پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دعوای او علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین برود دعوای دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نخواهد بود.

از مفاد دو ماده بالا این نتایج به دست می‌آید:

۱ - عدم مراجعه به محال‌علیه برای دریافت وجه چک، در مدت‌های مقرر به منزله اعراض از استفاده از مسئولیت تضامنی ظهرنویس تلقی شده و قانونگذار خواسته مسئولیت ظهرنویس از نظر مدت محدود باشد و خارج از مواعد قانونی مسئولیتی نداشته باشد.

۲ - اگر دارنده چک در مهلت‌های مقرر به محال‌علیه مراجعه نکند و مثلاً براثر ورشکستگی محال‌علیه چک لاوصول بماند چون عدم وصول چک مستند به قصور و غفلت دارنده چک است حق مراجعه به صادرکننده چک از او سلب می‌گردد ولی اگر عدم وصول چک مربوط به محال‌علیه نباشد مثلاً خود صادرکننده قبل از مراجعه دارنده چک، وجه آن را از بانک دریافت کرده باشد حق مراجعه او به صادرکننده به قوت خود باقی خواهد بود.

۳ - مستفاد از مفهوم ماده این است که دارنده چک همیشه حق مراجعه به محال‌علیه را برای مطالبه وجه، ولو در خارج از مواعد مقرر، دارد و دعوای وی نیز در دادگاه قابل استماع خواهد بود زیرا ضمانت اجرای عدم رعایت مواعد، مربوط به سلب مسئولیت از ظهرنویس و صادرکننده است و محال‌علیه که وجهی در نزد وی بوده و پرداخت آن به دارنده چک حواله شده است نمی‌تواند به عذر انقضای مواعد از تأدیه وجه امتناع کند.

و بالاخره برابر ماده ۳۱۷ قانون تجارت «مقررات راجع به چکهایی که ورق بزنید

بخش دوم - مقررات کیفری چک (چک بلامحل)

مقدمه بخش

افزون بر تعریف ماده ۳۱۰ قانون تجارت از چک ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۵۵/۴/۱۶ تاکید می‌کند: «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید...» و ماده ۶ همان قانون صادرکننده چک بلامحل را مستحق کیفر حبس و جزای نقدی می‌داند. از این رو وجود محل، در تاریخ صدور چک الزامی است و این محل باید تا تاریخی که برای دارنده حق مراجعه و دریافت وجود دارد حفظ شود وگرنه صادرکننده علاوه بر مسئولیت مدنی مسئولیت کیفری نیز خواهد داشت.

مروری بر قانون صدور چک مصوب ۵۵/۴/۱۶

این قانون که در حال حاضر جاری و معتبر است عمدتاً متضمن احکامی به

قرار ذیل است:

۱ - صادرکننده چک و ظهرنویسها، در صورت بلامحل بودن چک و اعتراض، در مقابل دارنده آن مسئولیت تضامنی دارند و دارنده می‌تواند به هر یک منفرداً و به تمام آنها مجتمعاً رجوع یا اقامه دعوی کند.

۲ - هرگاه محال‌علیه با وجود محل، از پرداخت چک بدون عذر موجه و قانونی امتناع کند دارنده چک حق دارد علیه وی اقامه دعوی نماید.

۳ - هریک از ظهرنویس‌ها که بر اثر مراجعه دارنده، وجه چک را به وی پرداخته باشد حق مراجعه به ظهرنویس ماقبل و صادرکننده و اقامه دعوی علیه آنها را دارد.

۴ - اقامه دعوی علیه یک یا چند نفر از مسئولان پرداخت چک، حق رجوع به سایر مسئولان را ساقط نمی‌کند و اقامه‌کننده دعوی ملزم به رعایت ترتیب ظهرنویسی از حیث تاریخ نیست.

۵ - اعتراض در مورد چک لزومی ندارد از نظر شکلی تابع واخواستنامه‌های مقرر برای برات باشد و طبق رویه، به وسیله ابلاغ اظهارنامه رسمی هم ممکن است عدم وصول وجه چک را اطلاع داد و مطالبه رسمی نمود و در صورت امتناع متوسل به اقامه دعوی شد.

در ایران صادر شده است در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد... پس چک اعم از آنکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه، چنانچه به عهده بانکهای ایران باشد تابع مقررات چک قانون تجارت و سایر قوانین ایران خواهد بود.

گاه دیده شده است که بانکها بعد از گذشت ۶ ماه از تاریخ صدور چک از پرداخت آن خودداری می‌نمایند. این دفتر با کاوش در مقررات مربوط مجوزی برای توجیه این رویه به دست نیآورده است حتی مراجعه به چند تن از حقوقدانان و صاحب‌نظران امور بانکی نیز نتوانست توجیه منطقی و قانونی برای این کار به دست بدهد. لذا به نظر می‌رسد اتخاذ این رویه ناشی از تعمیم ناصحیح ماده ۱۰ قانون صدور چک (که صرفاً ناظر به تعقیب کیفری است) بوده باشد.

وجوه اشتراک چک و برات:

قسمت آخر ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقرر داشته است: «... مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات، شامل چک نیز خواهد بود.»

پس در موضوعاتی که در ماده ۳۱۴ به آنها تصریح شده، چک و برات وجوه مشابه و مشترکی دارند که رئوس آن به

ترتیب زیر است:

۱ - صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک، محل به صورت نقد یا اعتبار قابل استفاده داشته باشد. خارج کردن تمام یا قسمتی از وجهی که به اعتبار آن چک صادر شده، دستور عدم پرداخت و تنظیم چک به صورتی که بانک از پرداخت وجه چک امتناع کند (از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات آن) ممنوع است. هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن ترتیب اثر نخواهد داد. (ماده ۲)

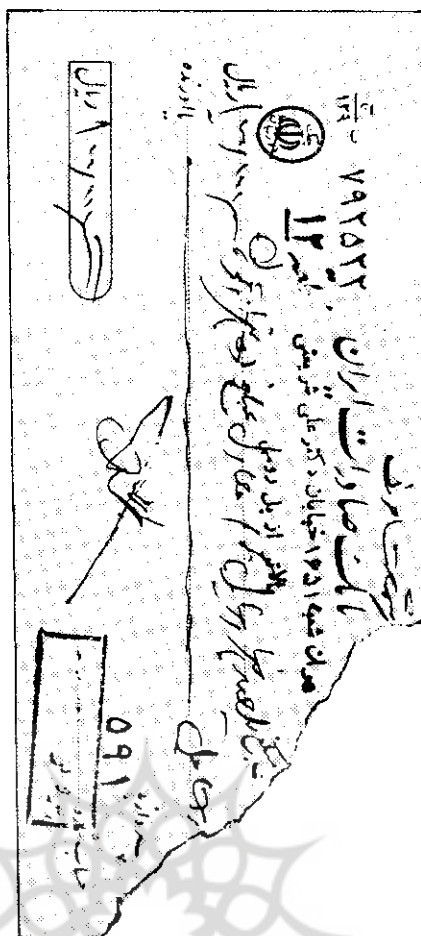
۲ - هرکس مرتکب تخلف مندرج در ماده (۲) مشروح فوق گردد محکوم به مجازات حبس و جزای نقدی خواهد شد. (ماده ۶)

۳ - چکهای صادر شده برعهده بانکهایی که طبق قوانین ایران دایر شده‌اند و نیز برعهده شعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسناد لازم‌الاجراست و در صورت عدم تادیه و برگشت چک، دارنده آن می‌تواند از طریق اجرای ثبت و صدور اجرائیه درمورد وصول وجه چک یا باقیمانده آن اقدام کند مشروط براینکه:

الف - دارنده چک عین چک و گواهینامه عدم پرداخت مذکور در ماده ۳ را به اجرای ثبت محل تسلیم نماید.

ب - مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک به تصدیق بانک محال‌علیه رسیده باشد. (ماده ۱)

۴ - بانک مکلف است نسخه دوم گواهینامه عدم پرداخت را برای اطلاع صادرکننده چک به آخرین نشانی



صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد. (ماده ۳)

۵ - در صورتی که موجودی حساب صادرکننده، کمتر از مبلغ چک باشد و دارنده چک پرداخت مبلغ موجود در حساب را تقاضا کند، بانک مکلف به تادیه آن است و دارنده نسبت به بقیه مبلغ با اخذ گواهینامه بانک حق تعقیب کیفری صادرکننده را خواهد داشت (ماده ۴)

۶ - در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را به دارنده بپردازد یا با موافقت او ترتیب پرداخت را بدهد یا موجبات پرداخت را در بانک محال‌علیه فراهم سازد از تعقیب کیفری معاف خواهد شد. (ماده ۸)

۷ - هرکس از بسته بودن حساب

بانکی خود مطلع باشد و با این وجود چک صادر کند در حکم صادرکننده چک بدون محل محسوب [می‌شود] و قابل تعقیب کیفری است. (ماده ۹)

۸ - جرائم مذکور در قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست. مدت لازم برای مراجعه به بانک و وصول وجه چک ۶ ماه از تاریخ صدور برای استفاده از [حق] تعقیب کیفری متهم، شکایت به مرجع صلاحیتدار قبل از انقضای ۶ ماه از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت است و بعد از گذشت این مدت حق شکایت ساقط می‌شود. (ماده ۱۰)

۹ - کسی که چکی را بعد از برگشت از بانک از دارنده آن بگیرد (به خود انتقال دهد) حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد. فلسفه اسقاط حق تعقیب برای انتقال گیرنده آن است که چنین شخصی عالم به بلامحل بودن چک بوده است و در واقع قانونگذار قصد جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی افراد فرصت‌طلب را داشته و راه این‌گونه سوءاستفاده‌ها را سد کرده است. (ماده ۱۰)

۱۰ - هرگاه شاکی، بعد از شکایت کیفری چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را به هر نحو به دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف خواهد شد. (تبصره ماده ۱۰)

۱۱ - هرگاه شاکی، قبل از صدور حکم قطعی گذشت کند یا متهم وجه چک را نقداً پرداخت [کرده] یا موجبات پرداخت را فراهم [آورد] یا در صندوق

ورق بزنید

دادگستری یا صندوق ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد ولی صدور قرار موقوفی مانع از رسیدگی به خسارات قانونی مورد مطالبه و صدور حکم نسبت به آن نخواهد بود. هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا محکوم علیه موجبات پرداخت محکوم به را (به یکی از طرق فوق الذکر) فراهم نماید اجرای حکم موقوف می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم به نفع دولت خواهد بود و این مبلغ به دستور دادستان وصول خواهد شد. (ماده ۱۱).

۱۲ - صادرکننده چک در موارد زیر قابل تعقیب کیفری نیست و به عبارت دیگر این موارد مانع تحقق بزه «صدور چک بلامحل» می گردد:

الف - در صورت اثبات اینکه چک سفید امضا داده شده است.

ب - هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

ج - هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

د - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی [صادر شده] است.

ه - در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد (ماده ۱۲). ماده برای اثبات موارد فوق شهادت شهود را به تنهایی کافی ندانسته است.

حکم این ماده منطقی و منطبق با مقررات موضوعه در قانون تجارت در فصل چک و در جهت سوق دادن صدور چک به سمت و جهت واقعی آن به عنوان یک وسیله پرداخت مطمئن و قابل اطمینان است.

آشکار است که چک یک وسیله پرداخت و به مثابه اسکناس است و باید برای مشکلات حقوقی خود از قبیل تضمین تعهد و تحقق شرط و نظایر آن راه‌حلهای حقوقی دیگری که مخالف با قانون نباشد جستجو کنند والا علاوه بر اینکه خودشان مآلاً مغبون خواهند شد جامعه را نیز بیهوده دچار تزلزل و بی‌اعتمادی دائمی در مناسبات آن خواهند کرد.

۱۳ - هرگاه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرم دیگری تحصیل شده باشد صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها می‌تواند با تصریح علت، کتباً دستور عدم پرداخت را به بانک بدهد و بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک علت عدم پرداخت را ضمن گواهی نامه‌ای که صادر و تسلیم می‌نماید به ارائه‌دهنده اعلام می‌دارد. دارنده چک می‌تواند علیه دستوردهنده اقامه شکایت کند و هرگاه خلاف ادعای دستوردهنده ثابت شود علاوه بر کیفر مقرر در ماده ۶ به پرداخت یک چهارم وجه چک به عنوان خسارت معنوی شاکی نیز محکوم خواهد شد.

در این مورد ذینفع کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده

یا به او واگذار گردیده باشد. بانک در صورت دریافت دستور عدم پرداخت مکلف است تا تعیین تکلیف آن در مرجع صلاحیتدار یا انصراف دستوردهنده وجه چک را در حساب مسدودی نگاهداری کند. (ماده ۱۳)

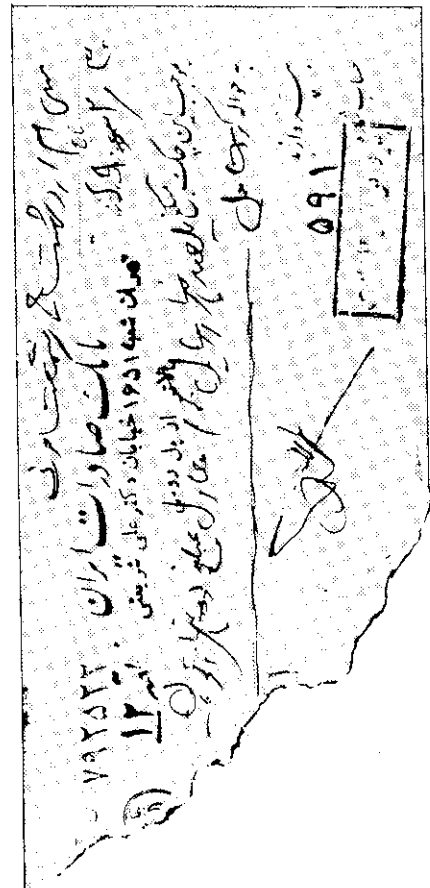
۱۴ - دارنده چک می‌تواند ضرر و زیان ناشی از جرم را از دادگاهی که مرجع رسیدگی کیفری است مطالبه کند. (ماده ۱۴)

۱۵ - وجود چک در دست صادرکننده آن دلیل پرداخت وجه چک و انصراف شاکی از شکایت است، مگر آنکه خلاف این امر ثابت گردد. (ماده ۱۶)

۱۶ - مرجع رسیدگی مکلف است وجه‌الضمان نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی (که تا تعیین تکلیف نهایی معتبر باشد) معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده از متهم اخذ نماید مگر آنکه وجه چک به طریق قانونی تأمین شده باشد. در صورت تعدد صادرکنندگان چک، مرجع تعقیب مبلغ وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه بانکی را حسب‌المورد به تناسب مسئولیت هرکدام یا به‌طور تساوی تقسیم خواهد کرد. (ماده ۱۷)

۱۷ - در صورتی که وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه بانکی مقرر در ماده ۱۷ تودیع شده باشد تأمین خواسته از اموال متهم جایز نیست. در این صورت ضرر و زیان مدعی خصوصی از محل وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه بانکی باید پرداخت شود (تبصره ۱ ماده ۱۷)

۱۸ - هرگاه چک به وکالت یا نمایندگی صاحب حساب (اعم از



شخص حقیقی یا حقوقی) صادر شده باشد مسئولیت کیفری متوجه امضاکننده چک خواهد بود، مگر آنکه امضاکننده ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت مسئولیت کیفری به عهده کسی خواهد بود که موجب عدم پرداخت شده است. بعلاوه صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک می‌باشند و اجرائیه یا حکم ضرر و زیان براساس تضامن علیه هر دونفر صادر می‌شود. (ماده ۱۸)

۱۹ - مسئولیت مدنی پشت‌نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است. (ماده ۱۹)

۲۰ - بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که ظرف ۳ سال پیش از یک‌بار چک بی‌محل صادر کرده‌اند و منتهی به صدور کیفرخواست شده است

مسدود نمایند و تا پنج سال حساب جاری دیگری به نام آنان افتتاح نکنند. بانک متخلف به مجازات انتظامی مقرر در ماده ۴۴ قانون پولی و بانکی کشور محکوم خواهد گردید.

دادسراها نیز مکلفند صدور کیفرخواست را به اطلاع بانک مرکزی برسانند و بانک مرکزی نیز مکلف است مشخصات این‌گونه متهمان را ضمن بخشنامه‌ای به منظور بستن حساب جاری آنها و باز نکردن حساب جاری دیگری به نامشان، به کلیه بانکها اطلاع دهد. در صورت حصول برائت قطعی، متهم حق خواهد داشت از دادسرا بخواهد مراتب را به بانک مرکزی اطلاع دهد تا بانک مزبور به نوبه خود بدون اشکال بودن افتتاح حساب جاری وی را ضمن بخشنامه به سایر بانکها ابلاغ نماید. (ماده ۲۰)

۲۱ - هرگاه به متهم دسترس پیدا نشود آخرین نشانی وی در بانک محال‌علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل خواهد آمد مگر آنکه به ترتیب مقرر در تبصره ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری نشانی دیگری تعیین کرده باشد. چنانچه متهم حسب‌المورد در نشانی بانکی یا نشانی مقرر در تبصره ماده ۱۲۵ قانون بالا شناخته نشود، گواهی مامور ابلاغ به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون اینکه احضار متهم از طریق مطبوعات لزومی داشته باشد، ادامه خواهد یافت (ماده ۲۱).

سفته

تعریف و مندرجات قانونی سفته

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ که هم اکنون مورد عمل قرار دارد کلیه احکام مربوط به سفته را در ۳ ماده خلاصه کرده و گنجانده است که هر ۳ ماده در زیر عیناً نقل می‌شود:

ماده ۳۰۷ - «فته طلب سندی است که به موجب آن امضاءکننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.»

ماده ۳۰۸ - «فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

- ۱ - مبلغی که باید تادیه شود با تمام حروف
- ۲ - گیرنده وجه
- ۳ - تاریخ پرداخت»

ماده ۳۰۹ - «تمام مقررات راجع به بروات تجارته (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم‌الرعايه است.»

ماده ۳۰۷ نشان می‌دهد که سفته همان سند ذمه‌ای است که آن را با طبیعت معاملات تجارته سازگار کرده‌اند و به موجب ماده ۳۰۸ مقررات شکلی آن تابع قواعد معینی شده و طبق ماده ۳۰۹، از حیث پاره‌ای مقررات و امتیازات با برات وجه اشتراک یافته ورق بزنید

است. (که در جای خود به مهمترین این وجوه اشتراک و نیز به وجود افتراق اشاره خواهد شد.)

علاوه بر تفاوت‌های مذکور در فوق، فرق دیگر این دو در آن است که سفته را می‌توان «به حواله کرد» صادر و تعهد نمود ولی در سند ذمه‌ای موضوع حواله کرد قید نمی‌شود. با این حال این تفاوت اهمیت چندانی ندارد زیرا در سند ذمه‌ای نیز صاحب آن می‌تواند حقوق خود را در همان سند یا به موجب سند عادی یا رسمی دیگری به غیر منتقل کند.

در سفته (قبل از ظهورنویسی) دو نفر وجود دارد، یکی امضاکننده (متعهد، مدیون یا بدهکار) و دیگری شخصی که سفته به نفع او صادر شده است (متعهدله، دائن یا بستانکار) و ممکن است شخص معینی باشد یا به حواله کرد آن شخص یا حامل (دارنده) صادر شود. مندرجات قانونی سفته طبق ماده ۳۰۹ عبارت است از:

- ۱- امضا یا مهر امضاکننده (متعهد)
- ۲- تاریخ تنظیم سفته
- ۳- مبلغ سفته با قید تمام حروف
- ۴- گیرنده وجه (حامل، شخص معین یا به حواله کرد وی)

۵- تاریخ پرداخت یا سررسید
بین ماده ۳۰۷ و ۳۰۸ تعارضی به نظر می‌رسد: طبق ماده اولی می‌توان پرداخت وجه سفته را «عندالمطالبه» تعهد کرد ولی ماده ۳۰۸ قید «تاریخ پرداخت» را جزو مندرجات سفته قرار داده است و این دو مانع الجمع هستند و نمی‌توان برای سندی که عندالمطالبه باید پرداخت شود سررسید یا تاریخ

پرداخت معین کرد. شاید بتوان به این صورت رفع اشکال کرد که بگوییم امکان صدور سفته «عندالمطالبه» جزء تعریف سفته است و از آن جداشدنی نیست و باید معتبر شناخته شود و لزوم قید تاریخ پرداخت (سررسید) در مورد سفته‌هایی است که باید در موعد معین پرداخت شود. منتها قانونگذار سهواً در بند ۳ ماده ۳۰۸ «تاریخ پرداخت» را منحصر به موردی که سفته برای موعد معین صادر شده باشد، نکرده است.

از تعریف اول که صدور سفته را به رؤیت «معادل عندالمطالبه» مورد قبول قرار داده و از این حیث با ماده ۳۰۷ قانون تجارت مطابقت دارد معلوم می‌شود که قید عندالمطالبه در سفته بلااشکال است و لاجرم قید «تاریخ پرداخت» در بند ۳ ماده ۳۰۸ مربوط به موردی است که سفته برای موعد معین باشد و لاغیر.

با فرض اینکه استدلال فوق پذیرفته شود باز هم در مورد سفته عندالمطالبه یک اشکال باقی می‌ماند و آن موضوع واخواست است زیرا با معلوم نبودن تاریخ پرداخت، مبدأ مدت مقرر قانونی برای واخواست مشخص نیست. و شاید یکی از راه‌حلهای این اشکال مطالبه رسمی با اظهارنامه باشد که دارنده سفته تاریخی برای تادیه در اظهارنامه تعیین کند تا بعداً بتواند در صورت عدم تادیه سفته را واخواست کند.

وجوه اشتراک سفته و برات

بر سفته و برات قواعد مشترکی حاکم است و ماده ۳۰۹ قانون تجارت

بدون برشمردن تمام مشترکات به‌طور کلی مقرر می‌دارد: «تمام مقررات راجع به برات تجارتي از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب در مورد فته‌طلب نیز لازم‌الرعايه است.»

بعض از مصادیق قواعد مشترک بین برات و سفته به شرح زیر است:

۱- وعده سفته یا سررسید: که اگر مثلاً با تعطیل رسمی تصادف کرد حکم تبصره ماده ۲۴۴ (که راجع به برات است) بر آن جاری می‌گردد و روز بعد از تعطیل محسوب خواهد شد.

۲- ظهورنویسی: انتقال هر دو سند به وسیله ظهورنویسی صورت می‌گیرد. ظهورنویسی در هر دو مورد باید به امضای ظهرنویس برسد. ظهورنویسی حاکی از انتقال هر دو سند تجارتي است... و امثال آن.

۳- مسئولیت - همان‌طور که در مورد برات مقرر شده است، صادرکننده سفته و پشت‌نویس‌ها در برابر دارنده سفته مسئولیت دارند و این مسئولیت تضامنی

است و دارنده سفته می‌تواند به هریک منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مراجعه و پرداخت وجه سفته را مطالبه و در صورت لزوم علیه آنان اقامه دعوی کند. همین حق را هریک از ظهرنویس‌ها نسبت به صادرکننده سفته و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد و غیره.

۴- پرداخت - همان‌طور که برات باید با نوع پولی که در آن معین شده پرداخت گردد (ماده ۲۵۲) در سفته هم پرداخت باید با پول معین شده در آن تادیه شود. و سایر مقررات پرداخت برات هم تا حدی که با طبع سفته سازگار باشد در مورد آن باید رعایت شود.

۵- تادیه وجه سفته به واسطه شخص ثالث - همانند برات (ماده ۲۷۱) اگر وجه سفته را شخص ثالث از طرف صادرکننده پردازد دارای تمام حقوق و وظایف او خواهد بود.

۶- حقوق و وظایف دارنده سفته در مورد اعتراض عدم تادیه و فوت و توقف بدهکار و مطالبه و اقامه دعوی و وصول مانند برات است لیکن در سفته اعتراض قبول یا نکول وجود ندارد.

۷- واخواست - در مورد واخواست سفته باید همان مقررات واخواست که برای برات مقرر است رعایت گردد.

۸- قوانین خارجی - شرایط اساسی سفته و تعهدات ناشی از آن از لحاظ قوانین خارجی مانند برات است. مثلاً سفته‌هایی که در خارج از ایران صادر شده باشد از لحاظ شرایط اساسی تابع قوانین مملکت محل صدور است. (ماده ۳۰۵)

۹- سفته‌ای که به علت عدم تادیه واخواست شده باشد (مانند برات)

دادگاه را مکلف می‌کند، در صورت اقامه دعوی، به مجرد تقاضای مدعی قرار تامین خواسته صادر کند بدون اینکه خواهان ملزم به تودیع خسارات احتمالی خوانده بوده باشد. (ماده ۲۹۲ قانون تجارت و بند ۴ ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی)

تفاوت‌های موجود بین برات و سفته

با آنکه سفته و برات هر دو از اسناد تجارتي هستند ولی به علت تفاوت ماهیتی و کاربردی، با یکدیگر فرقهایی دارند که خلاصه آن به این شرح است:

۱- در برات معمولاً ۳ نفر دخیلند که عبارتند از محیل (مدیون) و محال (دائن) و محال علیه. ولی در سفته دو نفر حضور دارند که عبارتند از صادرکننده (متعهد) و دارنده سفته (متعهدله).

۲- در برات قبول و نکول لازم اساسی است ولی در سفته قبولی یا نکول وجود ندارد زیرا متعهد با حواله‌گیرنده سفته یکی است و پرداخت‌کننده سفته خود صادرکننده است.

۳- سفته را می‌توان «در وجه حامل» صادر کرد ولی صدور برات در وجه حامل مقدور نیست زیرا در بند ۷ ماده ۲۲۳ قانون تجارت ذکر نام شخصی که برات باید در وجه یا حواله کرد او پرداخت شود الزامی و جزء شرایط اساسی است.

۴- در برات گرچه فرض است که وجهی به صورت بدهی یا اعتبار نزد

براتگیر موجود است ولی احتمال خلاف آن هم وجود دارد و به همین لحاظ است که براتگیر می‌تواند پرداخت وجه برات را قبول یا نکول کند. در سفته برعکس صادرکننده با تصدیق تعهد (در اکثر موارد مدیون بودن) و امضای آن مأخوذ به پرداخت می‌باشد.

۵- همان‌طور که قبلاً گفته شد معاملات برواتی ذاتاً معامله تجارتي است (بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت) ولی معامله سفته ذاتاً تجارتي محسوب نمی‌شود و فقط در مواردی که بین بازرگانان و صرافان و بانکها و کسبه انجام شود تبعاً تجارتي شناخته می‌شود (بند ۱ ماده ۳ قانون تجارت).

مناسب می‌دانیم در پایان این مقاله پاسخ برخی ابهامهای رایج پیرامون چک را که حسب مورد به وسیله اعضای کمیسیونهای مشورتي ارائه شده و در «مجموعه نظرهای مشورتي اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل کیفری» درج شده است، بیفزاییم:

۱- «بزه صدور چک بلامحل از تاریخ صدور چک تحقق می‌یابد نه از تاریخ کشف بی محل بودن آن. به عبارت دیگر عدم پرداخت چک از طرف بانک، کاشف از وقوع جرم در تاریخ صدور و شرط تعقیب آن است نه رکن قانونی جرم، و معقول نیست عمل شاکی با بانک موجب تحقق جرم صاحب حساب باشد.»

۲- برطبق نظر کمیسیون مشورتي اداره حقوقی مورخ ۴۷/۵/۱۹:

«۱- مطابق ماده ۳۱۱ قانون تجارت ورق بزیند

تاریخ چک از ارکان اساسی آن محسوب است و با فقد تاریخ نمی‌توان آن را چک به معنای قانونی کلمه دانست.»

«۲- چک فاقد تاریخ قابل ارائه به بانک هم نیست و به فرض ارائه و صدور گواهی عدم پرداخت از طرف بانک، به علت عدم صدق عنوان کیفری قابل تعقیب نمی‌باشد، لکن تحت عنوان کلاهبرداری (در صورت وجود عناصر متشکله آن) قابل تعقیب است.»

«۳- نبود تاریخ در چک به علتی که فوقاً اشاره شد موجب عدم پرداخت است. تاریخ چک هم باید به وسیله صادرکننده در متن آن نوشته شود نه به وسیله دارنده.»

۳. بر طبق نظر کمیسیون مشورتی آیین دادرسی کیفری مورخ ۵۳/۶/۲۷: «به صراحت ماده ۶۸ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری، ضرر و زیان شاکی را فقط از اموال متهم می‌توان تأمین کرد. بنابراین در صورتی که مدیرعامل شرکتی متهم به صدور چک بیمحل به عهده شرکت باشد اموال شرکت را نمی‌توان بابت تأمین خواسته توقیف کرد.»

۴. بر حسب نظر کمیسیون امور حسبی و اجرای احکام مورخ ۵۳/۸/۲۳:

«صادرکننده چک متعهد و مسئول پرداخت وجه آن می‌باشد و چنانچه قبل از تاریخ چک فوت شود دارنده چک می‌تواند با استفاده از مواد ۲۳۱ و ۲۳۲ قانون امور حسبی برای اثبات طلب خود و استیفای آن از ترکه متوفی (صادرکننده چک) به طرفیت ورثه اقامه دعوی نماید.»

۵. طبق نظر کمیسیون مشورتی آیین

دادرسی کیفری مورخ ۵۳/۶/۲۷:

«در صورتی که امضاکنندگان چک بیمحل دونفر یا بیشتر باشند شرکای جرم محسوب و طبق تبصره ۲ ماده (۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، دادگاه هریک از امضاکنندگان چک را به پرداخت سهم خود از ضرر و زیان ناشی از جرم (وجه چک و خسارت) محکوم می‌کند. لیکن محکوم علیهم نسبت به پرداخت کل ضرر و زیان مسئولیت تضامنی دارند.»

رای شماره ۵۳۶-۱۰/۷/۱۳۶۹

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ در مادتين ۲ و ۳ و قانون تجارت بشرح مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ شرایط خاصی را در مورد چک مقرر داشته که از آن جمله کیفیت صدور چک و تکلیف دارنده چک از لحاظ موعد مراجعه به بانک و اقدام بانک محال‌علیه به پرداخت وجه چک یا صدور گواهی عدم تادیه وجه آن و وظیفه قانونی بانک دایر به اخطار مراتب به صادرکننده چک می‌باشد.

مسئولیت ظهن‌نویس چک موضوع ماده ۳۱۴ قانون تجارت هم براساس این شرایط تحقق می‌یابد و واخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماده ۲۸۰ قانون تجارت قید شده ارتباطی با چک پیدا نمی‌کند. بنابراین گواهی بانک محال‌علیه دایر به عدم تادیه وجه چک که در مدت

۱۵ روز به بانک مراجعه شده، به منزله واخواست می‌باشد و رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور که هیئت عمومی حقوقی دیوان عالی کشور هم با آن موافقت داشته صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. ●

● دنباله

منسوخ و مانع توسعه

ارائه می‌کنم. به نظر من تغییر کل قانون چندان به مصلحت نیست. چون ممکن است مشکلاتی را فراهم کند و در عین حال چنین کاری مستلزم ایجاد تغییرات درخور توجه در قوانین مربوط دیگر است. در نتیجه پیشنهاد من این است که تنها موادی از قانون که در زمان حاضر مشکلاتی را در تنظیم روابط تجاری پدید آورده تغییر کند و احتمالاً مواد جدیدی به قانون افزوده شود که فعالیتهای تجاری کشور در شرایط کنونی و آینده پیشبینی‌پذیر به آن نیازمند است. از نظر

من قانون تجارت باید در نظام اقتصادی کشور، نقشی همانند قانون اساسی در تمامی کشور داشته باشد و بقیه امور را به نهادها و کمیسیونهای ویژه ارجاع کند و از جمله مسائل مربوط به حسابداری و حسابرسی و بازرسی قانونی و مانند اینها را به سازمان یا نهاد حرفه‌ای ذیربط ارجاع کند. در این موارد تنها طرح و تعریف مفاهیم و الزامات کلی کافی است. اما به نظر می‌رسد ارتباط دادن تحولات قانون تجارت به بازار سرمایه چندان عملی نیست چرا که مسئله بازار سرمایه ورای مسائل قانونی است.

شمس:

من هم فکر می‌کنم اقدامات انجام شده در زمینه جلب سرمایه و مشارکت در خرید سهام واحدهای تولیدی موفقیت‌آمیز نبود. قانون تجارت و یا قانون بورس اوراق بهادار باید ضوابط و مقرراتی را در خود پیشبینی کند که بتواند مردم را در راستای سرمایه‌گذاری هدایت کند و این کار به قانون نیاز دارد. در زمان حاضر بیشتر کشورهای جهان در قوانین تجاری و مقررات مربوط به بورس اوراق بهادار خودشان مقرراتی را پیشبینی کرده‌اند که به جلب توجه و اعتماد مردم به سرمایه‌گذاری انجامیده است. البته در این گونه قوانین حقوق سهامداران جزء بخشی حمایت و تضمین شده است.

امین:

آشکار است که اکنون قانونگذار باید با

توجه به تحولات در ساختار مناسبات و ارتباطات تجاری و تغییر در ابعاد و حجم آن حقوق، تکالیف و مسئولیتهای سازمانها و افراد را در نظام تجاری کشور مشخص کند و سپس بسنجد که چه مقرراتی با چه ویژگیهایی برای حفظ این حقوق و مناسبات ضرورت دارد. افزون بر این تردیدی نیست که قانونگذار باید برای تدوین قانون تجارت مناسب باید از نظر کارشناسان، سازمانها و مجامع حرفه‌ای حقوقی و حسابداری و سایر مقوله‌های مربوط بهره‌گیرد.

کشانی:

مسئله‌ای که نباید از نظر دور بماند، مسئله استانداردهای حسابداری و حسابرسی است. بیشتر ما حساب‌رسان در گزارش‌هایمان به استانداردهای پذیرفته شده استناد می‌کنیم درحالی که همه می‌دانیم تاکنون استانداردهای مدون و پذیرفته شده در ایران وجود نداشته است. از این رو ضروری است که همزمان و در کنار اصلاح قانون تجارت تکلیف استانداردهای نامبرده نیز توسط هر مرجعی که متولی تدوین و تصویب استانداردهاست، مشخص شود. چه بخش گسترده‌ای از نابسامانیها در نظام تجارت ایران و ناکارایی بازار سرمایه به این نارسایی مربوط می‌شود.

سلامی:

چنانکه از گفته‌های آقای شمس

استنباط می‌کنم، ایشان به نارسایی چشمگیری در مورد نهاد قانون تجارت نظر داشتند و آن این که قانون تجارت متولی مشخصی در کشور ندارد. من هم با شناخت این نارسایی به عنوان یکی از موانع تحول قانون تجارت بسیار موافقم. وزارت کار و امور اجتماعی متولی قانون کار است یا وزارت امور اقتصادی و دارایی متولی قانون مالیاتها، وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات متولی قانون محاسبات هستند، اما قانون تجارت متولی ندارد. این نکته درخور توجه را آقای رزبان نیز مطرح کردند، این قانون باید در ارتباط با سایر قوانین وابسته و مرتبط تغییر و تحول یابد و در چارچوب هدفهای اقتصادی کشور تدوین شود، در غیر این صورت باز هم با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهیم بود.

بحث را به علت پایان وقت در همین جا خاتمه می‌دهیم و از آقایان محترم به خاطر همکاری و یاری ما در برگزاری این جلسه سپاسگزاریم.